

بررسی نقش خلوت در معماری خانه های سنتی

حامد بیگدلی: دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، موسسه آموزش عالی و غیرانتفاعی روزبه، زنجان

bigdeli.hamed@roozbeh.ac.ir

محمد باقری: استادیار، گروه معماری، موسسه آموزش عالی و غیرانتفاعی روزبه، زنجان

bagheri..mohammad@roozbeh.ac.ir

فرخ اسدی: دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، موسسه آموزش عالی و غیر انتفاعی روزبه، زنجان

Farokh.asadi@roozbeh.ac.ir

چکیده

امروزه خلوت و فضای شخصی به عنوان هاله‌ای نامرئی، کمتر مورد توجه طراحان در معماری خانه های عصر حاضر قرار گرفته است. دقت در معماری ایران پیش و پس از اسلام نشان می‌دهد که چنین فضاهایی همواره به عنوان یک مکان خصوصی در برخی بناهای با کارکرد خاص وجود داشته است. اعتقادات ریشه دار در عرفان شرقی و آئین‌ها و مسالک مختلف در ایران موجب شده که داشتن یک حریم شخصی برای خلوت یکی از عناصر مهم در معماری ایرانی باشد. در معماری تمدن اسلامی مشاهده می‌کنیم که به طور خاص در بعضی بناهای اجتماعی مثل مسجد، خانقاه یا مدرسه، مکان‌هایی به این امر اختصاص داده شده است. مکان‌هایی که به زاویه یا گوشه یا خلوتخانه نیز شهرت دارند که "ساکلان الی الله" در آنها جای گیر می‌شدند و برای انجام عبادات خویش مثل اعتکاف یا چله نشینی به سر می‌برده‌اند. در این پژوهش سعی بر آن است ضمن مروری بر تعاریف مختلف خلوت، انواع آن و بعضی نظریه‌ها در این حوزه، به بررسی این مفهوم در حوزه‌ی فرهنگ اسلامی و دو نسبت جدید «خلوت با خویشتن» و «خلوت با خدا» پرداخته شود. همچنین با بررسی معماری خانه های سنتی که با وجود شفافیت و محرمیت، فضای خصوصی نیز در آنها رعایت شده به عنوان تکنیکی جهت بهبود کیفیت معماری عصر حاضر می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: خلوت در معماری، تعاملات اجتماعی، خانه های تاریخی، فضایشخصی، خلوت باخویش، خلوت با خدا.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

بی تردید روابط متقابل ما با دیگران نقش مهمی در اولویت‌هایمان در سکونتگاه دارد و محیط ساخته شده باید بتواند نیازهای مربوط به این روابط را پاسخ گوید. از سوی دیگر، می‌دانیم که فضاها، نقش‌های اجتماعی خاصی را بر ساکنان خود تحمیل می‌کنند و برخی الگوها و معیارهای رفتاری را تقویت و برخی دیگر را تضعیف می‌کنند و در نهایت جهت و ابعاد جدیدی به رفتارهای ساکنان خود می‌بخشد.

عطف به این مفاهیم و با نظری به معماری گذشته در می‌یابیم که در آن معماری، این نیازها- نیاز به تعاملات اجتماعی و ارتباط با هم‌نوعان، حفظ حریم‌ها و نیاز به خلوت- در جای خود به خوبی پاسخ می‌گرفتند، به گونه‌ای که تأمین، تعریف و شفافیت مناسب قلمروهای خصوصی، نیمه خصوصی و عمومی، همراه با افزایش تعاملات اجتماعی مد نظر قرار داشتند.

در نظریه‌های طراحی محیط، اظهار نظرهایی راجع به چگونگی تأثیر طراحی بر تعامل اجتماعی شده است. با نظری به الگوهای تعامل اجتماعی و قابلیت‌های محیط ساخته شده در می‌یابیم که همان قدر که طراحی محیط و مواد و مصالح تشکیل دهنده آن، کانال‌های ارتباط اعضای هر حلقه رفتاری را تحت تأثیر قرار می‌دهند، محیط ساخته شده نیز فرآیندهای اجتماعی انسان را متأثر می‌سازد.

پیشینه تحقیق

حسین الشراوی در رساله دکترای خود در دانشگاه پنسیلوانیا تحت عنوان (قلمرو گرایی)، طراحی مدلی را که به طور مستقیم به طراحی محیط ربط داشته باشد در چهار گونه قلمرو و پیوسته (شخصی) مرکزی (خصوصی) حامی (نیمه خصوصی) و پیرامون (عمومی) تعریف کرده است. سید محمود معینی استادیار گروه معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد ملایر و مهرنوش زندی، پژوهشگر کارشناسی ارشد معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد ملایر مقاله‌ای تحت عنوان (بررسی خلوت در معماری ایرانی و تأثیر نادیده گرفتن آن در معماری معاصر) به همایش ملی فرهنگ، گردشگری و هویت شهر در بهمن ماه ۱۳۹۴ ارائه نموده است. محمود ارژمند دانشجوی دکترای مرمت ابنیه و بافت دانشگاه هنر اصفهان و سمیه خانی دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات معماری ایران دانشگاه هنر اصفهان مقاله‌ای تحت عنوان نقش خلوت در معماری ایرانی در فصلنامه (شهر ایرانی اسلامی) علمی - پژوهشی شماره هفتم در بهار ۱۳۹۱ به چاپ رسانده اند. در فرهنگ اسلامی با توجه به اهمیت و در نظر گرفتن نسبت فرد با خود و خدا، بزرگان آن، به ویژه عرفا، ضمن تأکید این موضوع در خلوت‌گزینی به جستجوی نوعی رشد فردی برآمده اند. به طور مثال نجم الدین رازی از عرفای بزرگ قرون ششم و هفتم بحث مفصلی در این خصوص دارد و برای تحقق صحیح آن شرایطی شمرده است (مرصادالعباد، ۱۳۶۶، ۱۳۴).

۱. نگاهی به رفتار شناسی انسان‌ها در تعاملات اجتماعی

اگر روان‌شناسی اجتماعی، مطالعه نحوه تعامل مردم با یکدیگر و نحوه تأثیر حضور واقعی یا ضمنی دیگران بر افکار و احساسات و رفتار و مقاصد مردم تعریف شود، هر الگوی جاری رفتار آدمی در تعامل با مسکن، نیازمند سطح مطلوبی از ارتباط فردی در برابر تعاملات اجتماعی است. خلوت به عنوان نوعی از این ارتباطات، ویژگی خاصی است که حضورش در مسکن بیش از هر جای دیگری دیده می‌شود که به تناسب نیاز فرد یا افراد و هم‌چنین در رابطه با هر فعالیت، معنای خاصی خواهد داشت (فرگاس، ۱۹۴۷، ۱۶).

تعامل اجتماعی با نظام‌های اجتماعی

درباره تعامل اجتماعی نظریه‌های مختلفی مطرح شده است که از آن جمله نظر بوم‌شناسی جوزف فرگاس است. وی در مورد مفهوم خلوت چهار مشخصه بر می‌شمارد:

ارتباط محیط و رفتار بر بنیانی فلسفی بنا می‌شود که بر سطوح چندگانه رفتار تأکید می‌کند. افراد معمولاً برای رسیدن به سطح مطلوب خلوت از ساز و کارهای رفتاری گوناگون مثل رفتار کلامی، غیر کلامی، رفتار محیطی، و هنجارها و کنش‌های فرهنگی بهره می‌گیرند. با ساز و کار رفتاری متفاوت می‌توان به درجات گوناگون خلوت دست یافت. برخی از این ساز و کارها عبارتند از:

الف) رفتار کلامی (محتوای سخن)

یکی از ابزارهای مهم کنش متقابل اجتماعی ارتباط کلامی است. کلمات قادر هستند همه حالات و تمایلات فرد را منتقل کنند. از این رو، لازم است از نظر محتوا و ساختار، مورد بررسی قرار گیرند. منظور از محتوای کلام، جوهر ارتباط کلامی یا در واقع چیزی است که بر زبان می‌آید.

ب) رفتار فرا کلامی (بلندی لحن، زیر و بمی و آهنگ صدا)

رفتار غیر کلامی یا فرا کلامی، استفاده از اعضا و حالات بدن برای برقراری ارتباط است، مانند طرز قرار گرفتن دست و پا، حالات بدن و حرکات سر یا رفتارهای خاص یا استفاده از قسمت‌های خاصی از بدن.

ابعاد ساختاری رفتار کلامی همان چیزی است که ویژگی فرا کلامی، فرا زبانی یا زبانی سخن نامیده می‌شود که شامل: اسلوب زبان، تلفظ و لهجه، انتخاب و تنوع واژگان، پویایی صدا، آهنگ کلام، ویژگی‌های زمانی و بازده یا برون داد کلامی، کیفیت صدا و تولید آوا است.

ج) رفتارهای مرتبط با محیط، مثل فاصله‌گیری شخصی (فاصله بین فرد از دیگران)

این رفتار به جنبه‌هایی از محیط که به فرد نزدیک تر است (مثل پوشاک و زیور آلات) و فضای شخصی (حبابی فرضی در پیرامون فرد که تعدی دیگران به آن باعث تنش و ناراحتی او می‌شود) و ابعاد دورتر و گسترده تر محیط (مثل قلمرو و اشیای مورد علاقه) می‌پردازد.

د) کنش‌های فرهنگی

نیاز به خلوت، به میزان زیادی به فرهنگ ارتباط دارد و طراحی محله، ساختمان‌ها و نظارت بر خلوت سه هدف مهم را برآورده می‌سازد:

الف) رابطه فرد یا گروه با جامعه،

ب) وجوه مشترک فرد و جامعه،

ج) هویت فردی و یگانگی با خود.

سازو کارهای جداسازی فرد از دیگران - یا به عبارت دیگر نظارت بر مرزهای بین افراد برای دست یابی به سطح مطلوب خلوت جهان شمول است و در تمامی جوامع وجود دارد. ممکن است برخی از فرهنگ ها به مقوله فرهنگ توجه اندکی داشته باشند، اما این امر احتمالا معلول نگرش سنتی آنان به مقوله خلوت است که آن را فقط فرآیندی مربوط به محیط فیزیکی می دانند، نه یک نظام پیچیده رفتاری با کارکردهای بسیار (آلتن، ۱۳۸۲، ۲۷-۵۴). به این ترتیب نشان داده می شود که درک کامل ضابطه خلوت مستلزم شناختن عملکرد سطوح مختلف رفتاری است که در خدمت ایجاد این ضابطه هستند.

سطوح رفتاری مرتبط با مفهوم خلوت، نظامی یکپارچه را تشکیل می دهد که گاهی جای یکدیگر را می گیرند (مثل وقتی که فرد به جای «بله» گفتن سرش را به تایید تکان می دهد)، گاهی یکدیگر را تشدید می کنند (مثل وقتی که فرد علاوه بر «نه» گفتن سرش را هم به نگی تکان می دهد و در را به هم می کوبد)، و گاهی یکدیگر را تلطیف و تعدیل می کنند (مثل وقتی که پس از بیکار کردن کسی حضورا از او عذر خواهی شود). بنابراین رفتارها هم چون سازهای ارکستری هستند که در کنار هم نظامی پیچیده و تأثیری واحد ایجاد می کنند.

نظام ضابطه خلوت نظامی پویا و متغیر است. ترکیب خاص رفتارهای کلامی و غیر کلامی و محیطی به هیچ وجه ثابت و راكد نیست. با تغییر شرایط، الگو و ترکیب رفتارها نیز تغییر می کند. بنابراین بهتر است روابط محیط و رفتار را در چشم اندازی بلند مدت و پویا ترسیم کنیم تا بتوانیم رشد و تغییر آن ها را در طول زمان مشاهده و بررسی کنیم.

دیدگاه نظام اجتماعی، روابط محیط و رفتار را از دو جنبه مورد نظر قرار می دهد. در رویکردی سنتی، محیط مجموعه ای از عوامل معرفی می شود که با رفتار رابطه ی عالی دارد، یعنی محیط در فرد تأثیر می گذارد و باعث رفتارهای گوناگون او می شود. این نظریه بی شک در مواردی که شکل یا قالب محیطی خاصی، مثل شهرک های بسته، در رفتار اجتماعی افراد تأثیر می گذارد درست است. اما می توان محیط را پیامد رفتار فرد یا گروه دانست، مثلاً وقتی افراد با تعیین و به کارگیری مناطق و اشیایی مشخص یا نزدیک شدن و دور شدن از یکدیگر قلمرو خود را تعیین و تثبیت می کنند. بنابراین در این جا محیط را از دیدگاهی دو جانبه بررسی می کنیم، هم آن را مشخصه ای سبب ساز رفتار به شمار می آوریم و هم پیامد و معلول رفتار (همان ۶-۷).

۲. رویکردهایی به مطالعه تعامل اجتماعی

۲-۱. رویکرد جامعه شناختی کلان

ایده زیربنایی آن جبرگرایی اجتماعی است. در این دیدگاه نظام های اجتماعی و هنجارها به طریق علی نحوه رفتار افراد را تعیین می کنند. عواملی چون طبقه اجتماعی، نژاد، درآمد یا نظام سیاسی حاکم همگی بر رفتارهای تعاملی ما تأثیر می نهند.

۲-۲. دیدگاه فردی (رویکرد روان شناختی)

در این دیدگاه عواملی چون تربیت، هوش، ظاهر جسمانی، نگرش های فردی یا مهارت های ارتباطی در نحوه تعامل مردم با یکدیگر نقش مهمی ایفا می کنند.

۲-۳. بررسی فرآیندهای تعاملی در سطح خودشان

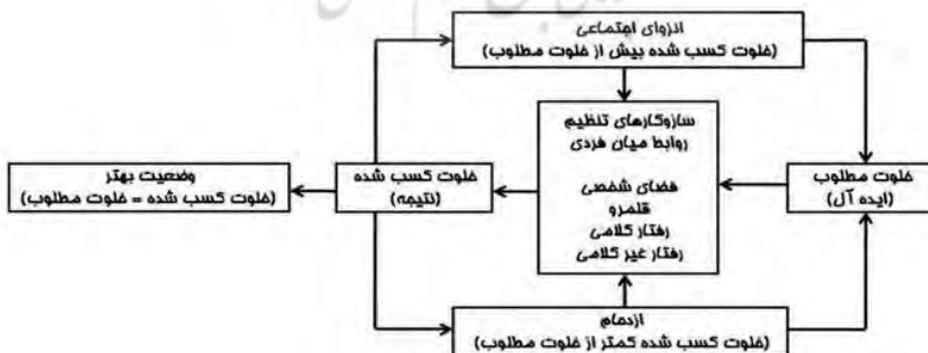
سیستم های اجتماعی وسیع تر و شخصیت های منفرد، در واقع خود مخلوق جریان تعامل اجتماعی هستند. نتیجه هر تعامل جدید این خواهد بود که درباره ی طرق صحیح رفتار در آن وضعیت، دانش و انتظاراتی را پی ریزی می کنیم (فرگاس، ۱۹۴۷، ۲۶).

۳. مفاهیم و عوامل روانی موثر در رفتار اجتماعی

درباره ی تعامل اجتماعی مفاهیمی مورد بحث قرار می گیرد که عبارتند از: خلوت، قلمرو، حریم، فضای شخصی، تراکم و ازدحام. این عوامل در تحلیلی اجتماعی و روان شناختی، در نحوه ی تعامل رو در روی افراد و تأثیر محیط فیزیکی بر این تعامل و نیز نحوه ی بهره برداری افراد از محیط برای برقراری اجتماعی تأثیر گذارند.

خلوت، فضای شخصی، ازدحام و رفتار قلمروپایی ادراک راحتی و کیفیت محیط را تحت تأثیر قرار می دهند. نیاز به خلوت، فضای شخصی و قلمروپایی در انسان عمومیت دارد و به ارضای نیازهای دیگری چون امنیت، خودشکوفایی و عزت نفس ربط دارد. مفاهیم خلوت، قلمروپایی و فضای شخصی باهم ارتباط نزدیکی دارند. «ایروین آلتن» مدلی مفهومی را پیشنهاد کرده که در آن فضای شخصی و قلمروپایی سازوکارهای اصلی دست یافتن به خلوت قلمداد شده اند (نمودار شماره ۱).

نمودار شماره ۱: مروری بر روابط میان خلوت، فضای شخصی، قلمرو و ازدحام. منبع: آلتن، ۱۳۸۲، ۱۰



۳-۱. خلوت

مفهوم «خلوت» در چندین رشته از علوم انسانی و از جمله در روان شناسی، جامعه شناسی، انسان شناسی، علوم سیاسی، حقوق و معماری به کار رفته و بررسی شده است. «خلوت» توانایی کنترل افراد یا گروهها بر تعامل دیداری، شنیداری و پویایی با دیگران است. «امس راپاپورت» خلوت را «توانایی کنترل تعامل اجتماعی، حق انتخاب و امکان تعامل اجتماعی دلخواه فرد» تعریف کرده است (لنگ، ۱۳۸۱، ۱۶۵).

بنابراین خلوت از جهت رابطه بین فرد و گروه و مابقی جامعه قابل اهمیت است. فرد و همین طور گروه، گاه نیاز به «با دیگران بودن» دارد و گاه نیاز به «جدا بودن از دیگران».

بر خلاف انتظار، تحقیقات نشان می دهد که در افراد برون گرا نسبت به افراد درون گرا نیاز به خلوت بیشتر است (پیشین: ۱۷۶). علاوه بر ویژگی های شخصیتی، تفاوت در نیاز به خلوت تا حدودی به نگرش گروه های اجتماعی و نقشی که مردم در جامعه و پایگاه اقتصادی - اجتماعی خود ایفا می کنند، باز می گردد. نگرش افراد به خلوت، بخشی از فرآیند اجتماعی شدن آنهاست و ارزشی قابل آموختن است، وقتی افراد بزرگتر می شوند، به خلوت بیشتری نیاز دارند و بیشتر از نشانه های خلوت استفاده می کنند. در واقع کودکان در سنین رشد، هنگام گفتگو با کودکان هم سن خود، نسبت به بچه های بزرگتر، فاصله ی فیزیکی کمتری را رعایت می کنند.

تامین خلوت مطلوب برای ساکنان هر خانه و همسایگان، در روابط اجتماعی فی مابین، افزایش تعاملات اجتماعی در فضا را نشان می دهد. تامین، تعریف و شفافیت مناسب قلمروهای خصوصی، حاکی از نیمه خصوصی و عمومی در مسکن ایرانی و ارتباط همسایگی، افزایش تعاملات اجتماعی بوده است. تعدادی از تعاریف مفهوم خلوت از برخی نظریه پردازان در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول شماره ۱: تعاریفی از مفهوم خلوت: منبع: آلتمن، ۱۳۸۲، ۲۲

نظریه پردازان	تعاریفی از مفهوم خلوت
اسوارتس	چیزی غیر از گوشه گیری از جمع و تمایل به انزوا.
زیمل، ۱۹۵۰	کنترل محرک های دریافتی، میزان اطلاعات و فاصله ی افراد از یکدیگر.
چاپین، ۱۹۵۱	ارزش تنها ماندن و آسودگی از فشار حضور دیگران.
بیتمس، ۱۹۶۴	«... این احساس فرد که دیگران باید از آنچه برای او مهم است جدا و دور باشند، و در ضمن اذعان به اینکه دیگران نیز حقی از آن چیز دارند...»
ژورار، ۱۹۶۶	«... نتیجه تمایل فرد به پنهان نگاه داشتن تجربیات گذشته و زمان حال خود و اهدافش برای آینده... تمایل به معما بودن برای دیگران، یا حالتی که بیشتر معمول است، تمایل به کنترل نظر و باور دیگران در مورد خود...»
ایتلسون، پروشانسکی، ریولین، ۱۹۷۰	رسیدن و آزادی انتخاب و تعیین اهداف لازم برای نظارت بر اینکه در مورد خود چه اطلاعاتی را انتقال دهیم.
راپپورت، ۱۹۷۲	«... توانایی نظارت بر تعامل، در اختیار داشتن حق انتخاب و تمهیدات و ساز و کارهای لازم برای جلوگیری از تعامل ناخواسته و دستیابی به رابطه مطلوب...»
آلتمن، ۲۰۰۱	دوری و نزدیکی فرد به دیگران و آزادی انتخاب در مورد رابطه با دیگران.

۲-۳. کارکردهای خلوت

کارکردهای میان فردی: این کارکرد بیش تر در خدمت تامین هدف اساسی خلوت یعنی هویت فردی است. هویت فردی تا اندازه ای متکی است بر توانایی فرد در تعیین و تعریف محدودیت ها و مرزهای پیرامون خود. توانایی یا شکست در نظارت بر مرز میان خود و دیگری از عوامل مهم رسیدن به هویت فردی است. کنش متقابل فرد با دیگران: این مقوله در تعیین راهبردها و برنامه های فرد برای رابطه با دیگران و همین طور ارزیابی فرد در مناسبت با دیگران نقشی قابل توجه و مهم دارد. یکی از نمونه های کنش متقابل فرد با دیگران در ارتباط های حرفه ای افراد متجلی می شود. مقامات بالا غالباً این حق را دارند که به خلوت دیگران تجاوز کنند، اما عکس این امر صادق نیست. سازوکارهای خلوت نه تنها به فرد کمک می کند بر کنش متقابل خود با دیگران نظارت داشته باشد، بلکه باعث گسترش روابط با دیگران و طرح برنامه و نقشه در ارتباط با دیگران می شود.

هویت فردی: این کارکرد خلوت ریشه ای عمیق در نهاد فرد دارد و دست کم دو جنبه دارد: خویشتن نگری و هویت فردی. خویشتن نگری مستلزم فرصتی است که افراد یا گروه ها به خود نگاهی بیندازند و خود را توصیف و ارزیابی کنند و این کار معمولاً در حضور غیر انجام نمی گیرد. خویشتن نگری قدمی است به سوی خود ارزشی و هویت فردی. هویت فردی عبارتست از درک روانی و عاطفی فرد یا گروه از خود و نیز درک این که کدام یک از جنبه های دنیای مادی، بخشی از خود اوست و کدام یک بخشی از دیگران. هویت فردی، درک فرد است از توانایی ها، محدودیت ها، ضعف ها، احساس ها، عواطف و باورهای خود این درک و به فرد کمک می کند تا خود را ارزیابی نماید که آیا به حال خود و دیگران مفید است یا خیر (آلتمن، ۱۳۸۲، ۵۳-۶۰) (نمودار شماره ۲).



نمودار شماره ۲: کارکردهای خلوت و ساز و کارهای نظارت بر خلوت. منبع: آلتمن، ۱۳۸۲، ۵۰

۳-۳. فضای شخصی در مناسبت با خلوت

فضای شخصی سازوکاری است که از آن برای نظارت بر تعامل میان فردی و دست یابی به خلوت مطلوب استفاده می شود. فضای شخصی غالباً به فاصله فیزیکی فرد با دیگران تعبیر می کنند. حال، تاکید کرده است که خود فاصله مهم نیست، نشانه های ارتباطی قابل دست یابی در فواصل گوناگون است که در مفهوم فضای شخصی اهمیت پیدا می کند. در واقع فضای شخصی محیطی است که در آن درجات و شکل های گوناگون تماس اجتماعی امکان پیدا می کند (آلمن، ۱۳۸۲، ۶۶-۶۵) (تصویر شماره ۱).



تصویر شماره ۱: حباب های نامرئی احاطه کننده اطراف انسان و تعریف کننده فضای شخصی در نظریه همجواری. منبع: هال، ۱۳۷۶، ۱۴۸

منظور از فضای شخصی «هاله ای نامرئی» است. تجاوز دیگران به این فضا یا حریم باعث ناراحتی یا نگرانی فرد می شود. همه ی انسان ها با توجه به نسبت نزدیکی خود با شخص مقابل و یا مقام او، این فاصله را رعایت می کنند. حباب های نامرئی احاطه کننده ی اطراف هر انسان و تعریف کننده ی فضای شخصی، فرآیندی دیالکتیکی و متغیر است (هال، ۱۳۷۶، ۱۴۸).

حال اصطلاح هم جواری را در نحوه ی استفاده ی انسان از فضا برای توضیح و بررسی فرهنگ به کار می برد و نتیجه می گیرد که نحوه ی هم جواری انسان ها در فضا و مکان بخشی از فرهنگ است. او مهم ترین بحث فضای انسان ساخت را ایجاد هم جواری مناسب با هویت فرهنگی می داند که باعث جلوگیری از تجاوز، ازدحام و استرس در انسان ها می شود. او معتقد است، رشد بیش از حد طبیعی خواسته های انسان بعد جدیدی را با عنوان بعد فرهنگی به وجود آورده است (پیشین، ۲۲۲).

فضای شخصی به مثابه یکی از سازوکارهای تنظیم مرز میان خود و دیگری احتمالاً در روابط اجتماعی مختلف شکل متفاوتی به خود می گیرد. فرد یا گروه وقتی مایل به تعامل با دیگری است خود را بیشتر در دسترس می گذارد و وقتی به تعامل با کسی تمایلی نداشته باشد، از او دوری می کند. رابرت سامر تعریف ساده ای از فضای شخصی پیشنهاد می کند: «فضای شخصی ناحیه ای است با پیوندهای نامرئی که بدن شخص را احاطه کرده اند تا امکان ورود عنصری مزاحم وجود نداشته باشد» (گیفورد، ۱۳۷۸، ۵۴).

«فضای شخصی» نباید با «فضای شخصی شده» اشتباه شود. اولی به فاصله ای گفته می شود که حیوانات همگروه، به جز در مواردی که تماس های خصوصی بین آنها جریان دارد، بین خود رعایت می کنند، و دومی به محدوده ای از محیط طبیعی یا مصنوعی به عنوان قلمرو تعیین شده گفته می شود. اگر شخص دیگری وارد این فضا شود، فرد احساس مزاحمت می کند و عدم رضایت خود را نشان می دهد. حتی اگر علائم بیرونی عدم رضایت پنهان بماند، در مقابل مزاحمت ها واکنش هایی نشان می دهد (لنگ، ۱۳۸۱، ۱۶۷) (تصویر شماره ۲، ۳، ۴).



تصویر شماره ۴: منبع: گیفورد، ۱۳۷۸، ۵۴

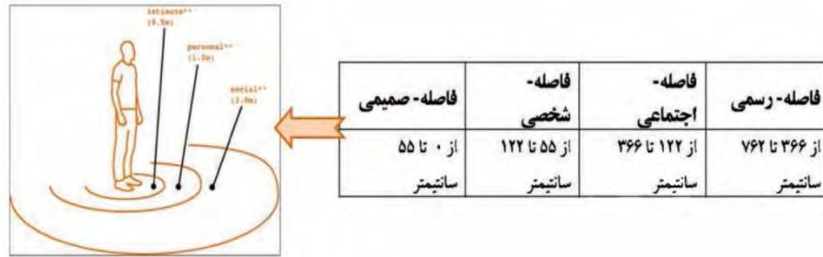
تصویر شماره ۳: منبع: گیفورد، ۱۳۷۸، ۵۴

تصویر شماره ۲: منبع: گیفورد، ۱۳۷۸، ۵۴

بسیاری از پژوهش های مربوط به روابط بین افراد حاکی از آن است که وجود رابطه ی مثبت بین افراد به کم شدن فاصله یا کوچک شدن محدوده ی فضای شخصی بین آنها منجر می شود. افرادی که نزدیک هم قرار می گیرند، افرادی هستند که رابطه ی مطلوب باهم دارند.

۳-۴. فواصل مختلف در ارتباط با تعامل افراد

تا همین اواخر فکر می شد که نیازهای فضایی انسان به اندازه ی هوای جابجا شده توسط بدنش است. این حقیقت که انسان در اطراف خود فضاهایی به عنوان نشانه هایی از شخصیتش دارد، عموماً نادیده گرفته شده بود. در این بین افرادی چون «داوود هال» در یک طبقه بندی چهار مرحله ای، فواصل اصلی اجتماعی را بر شکل تعامل افراد از گفتگوی صمیمی تا حضور رسمی ارائه کرده است. وی مطرح ساخت که ما محیط اجتماعی خود را به محدوده های متمایزی که بدن هایمان را احاطه می کنند، تقسیم می کنیم و گویی حباب هایی نامرئی با خود داریم. او در کتاب خود، بعد پنهان، فضای شخصی و اجتماعی و درک انسان از آن ها را بررسی می کند (هال، ۱۳۷۶، ۲-۱). در این جا به فواصل مختلف در ارتباط با تعامل افراد می پردازیم (فرگاس، ۱۳۷۳، ۱۹۸) (جدول و تصویر شماره ۵).



جدول و تصویر شماره ۵: چهار نوع قلمرو فضای شخصی - منبع: فرگاس، ۱۳۷۳، ۱۹۸

فاصله ی صمیمی

در فاصله ی صمیمی، حضور شخص دیگر تردیدناپذیر بوده و ممکن است به دلیل غلبه ی داده های حسی به دفعات ناراحت کننده باشند. بینایی اغلب، بویایی، گرمای بدن شخص دیگر، صدا، بو و احساس نفس شخص دیگر همگی علامت تماس و برخورد با شخص دیگر است (هال، ۱۳۷۶، ۱۴۰).

فاصله ی شخصی

فاصله ی شخصی اصطلاحی است که توسط هایدیگر برای فضا سازی عادی در بین حیوانات غیرتماسی برای حفظ آن بین خود و اطرافیان به کار گرفته شده است. این فاصله به صورت حبابی نامرئی، پیرامون موجود زنده را احاطه می کند. خارج از این حباب، برای دو موجود زنده بدان گونه که هنگام تلاقی دو حباب با هم درگیر می شوند، برخوردی اتفاق نمی افتد. سازماندهی اجتماعی عاملی در تعیین فاصله شخصی است.

فاصله ی اجتماعی

فاصله ی اجتماعی صرفاً فاصله ای نیست که در آن هر حیوان تماس خود را با گروه خود از دست می دهد بلکه فاصله ای است که حیوان دیگر در آن فاصله نمی تواند دیگر اعضای گروه را ببیند، صدای آنها را بشنود و یا بوی آن ها را استشمام کند و ترجیحاً فاصله ای روان شناختی است که در آن، ظاهراً در حیوان احساس اضطراب آغاز می گردد. خط مرزی بین فاصله ی شخصی در حالت دور و حالت نزدیک در فاصله ی اجتماعی، «حد تسلط» را مشخص می کند. جزئیات معنی دار بصری از صورت قابل مشاهده نیست و نمی توان انتظار تماس با فرد دیگری را در این فاصله داشت مگر با کوشش زیاد.

فاصله ی عمومی

تغییرات حسی متعدد مهمی در انتقال از فواصل شخصی، اجتماعی به فاصله ی عمومی پدید می آید که به طور کامل خارج از دایره ی برخورد افراد است. فاصله ی عمومی معمول مختص چهره های برجسته و دولتی نیست، بلکه هر کس در صحنه های عمومی می تواند آن را به کار گیرد و باید با تعدیل های ویژه ای صورت بگیرد (پیشین: ۱۴۸-۱۴۱).

۳-۵. قلمرو (حریم در مناسبت با خلوت)

نقش قلمروها، تسهیل تعامل اجتماعی و تثبیت نظام های اجتماعی تامین کننده ی خلوت است. قلمروهای اولیه مثل فضاهای خصوصی (خانه) به راحتی قابل تشخیص است، ولی تشخیص قلمروهای ثانویه مثل فضاهای عمومی و مشترک، گاه دشوار است. رفتار قلمروپایی سازوکاری است برای تنظیم حریم بین خود و دیگران که با شخصی سازی یا نشانه گذاری مکان یا شی مورد نظر و تعلق آن به فرد یا گروه بیان می شود. رفتارشناسان حیوانات اولین کسانی بودند که رفتار قلمروپایی حیوانات را مطالعه و ثبت کردند. مطالعه ی قلمروپایی در رفتار انسان جدیدتر است. لئون پاستالان راجع به قلمرو مکانی انسان تعریف زیر را ارائه کرده است: قلمرو مکانی فضای محدود شده ای است که افراد و گروه ها از آن به عنوان محدوده ی اختصاصی استفاده و دفاع می کنند. قلمرو با یک مکان، هویت روان شناختی می یابد و با احساس مالکیت و ترکیب کالبدی به صورت نماد در می آید (لنگ، ۱۳۸۱، ۱۶۹). طراح می تواند با دست زدن به ابداعات و ابتکاراتی تعریف این قلمروها را وضوح ببخشد و با این کار از بروز مشکلات جلوگیری نماید. حسین الشراکوی در رساله ی دکتری خود در دانشگاه پنسیلوانیا تحت عنوان «قلمرو گرایی» طراحی مدلی را که به طور مستقیم به طراحی محیط ربط داشته باشد، در چهار گونه قلمرو مکانی شامل قلمرو پیوسته (شخصی)، مرکزی (خصوصی)، حامی (نیمه خصوصی یا نیمه عمومی) و پیرامونی (عمومی) تعریف کرده است (پیشین: ۱۷۰).

۳-۶. تراکم و ازدحام

تفکیک میان مفاهیم تراکم و ازدحام مهم است. تراکم یک شاخص عینی از تعداد نفرات در هر واحد فضا است، ازدحام اشاره به حالت ذهنی و روانشناختی دارد که به احساسات منفی منجر میشود. در حالی که تراکم معمولاً یک عنصر مهم در ازدحام است، ادراک ازدحام تحت تاثیر سایر متغیرهای موقعیتی و جغرافیایی مثل معماری، نیازمندیهای تکلیف و سن و جنسیت فرد قرار می گیرد.

جای هیچ شکی نیست که مواجهه طولانی با تراکم بالا می تواند پیامدهای بسیار منفی بر سلامتی و رفتارهای اجتماعی گونه های مختلف حیوانی داشته باشد. با این که این مورد درباره انسان ها نیز صادق است ولی فرد بایستی در تعمیم نتایج مطالعات حیوانی به انسان ها شیوه ای مستقیم و ساده، کمال احتیاط را بنماید. پژوهش های مربوط به واکنش های انسان در برابر تراکم بالا را می توان به مطالعات ازدحام کوتاه مدت و دراز مدت تقسیم نمود. مطالعات ازدحام کوتاه مدت دارای شکلی آزمایشی هستند و به ندرت بیش از چند ساعت به طول می انجامد. پژوهش روی ازدحام کوتاه مدت نشان می دهد که این تجربه می تواند اثری منفی بر احساسات بگذارد و عملکرد را در تکالیف پیچیده مختل سازد. مطالعات ازدحام دراز مدت به شکلی طبیعی گروه هایی را مورد بررسی قرار می دهد که به مدت درازی تحت شرایط با تراکم بالا زندگی می کنند. با این که این پژوهش ها کامل نیستند ولی حاکی از آنند که تجربه طولانی تراکم بالا در این موقعیت ها به ویژه در محیط های آزاردهنده ای مثل زندان معمولاً منفی است.

نظریه های مختلفی برای تبیین اثرات تراکم روی انسانها مطرح گردیده است. الگوهای بوم شناسی موقعیت های رفتاری را با توجه به حضور تعداد بهینه ای از افراد برای عملکرد مناسب در محیط، مورد بررسی قرار می دهند. الگوهای اضافه بار حسی ازدحام را به عنوان پاسخی به تحریک و اطلاعات بیش از حد محیطی تبیین

می نماید. الگوی تراکم - شدت فریدمن عنوان میکند که تراکم به خودی خود نه مثبت و نه منفی است، اما هر رفتاری که در موقعیت حضور داشته باشد شدت می بخشد. الگوهای برانگیختگی، ازدحام را به عنوان محصول فرعی سطوح افزایش یافته برانگیختگی حاضر در موقعیت های با تراکم بالا توصیف می کنند. الگوهای کنترل بر نقش فقدان کنترل فرد بر محیط به عنوان عامل اصلی تجربه ازدحام تاکید دارند. تمام این نظریه ها تا اندازه ای از حمایت پژوهشی برخوردارند، اما برای رسیدن به یک نظریه قطعی تر درباره ماهیت ازدحام انسانی باید منتظر پژوهش های آتی باشیم (اندرو، ۱۳۸۷، ۲۳۵-۲۰۷).

۴. خلوت در حوزه ی فرهنگ اسلامی

در فرهنگ اسلامی درباره ی خلوت غیر از تعابیری که تاکنون در نسبت میان فرد با انسان های دیگر بیان شد، نسبت های دیگری نیز مطرح است: نسبت فرد با خود و نسبت فرد با خدا. خلوت جویی یا خلوت گزینی اگر در مباحث مربوط به خلوت، گاه مورد تایید و گاه مردود شناخته شده است ناظر به اهدافی بوده است که در حوزه ی شخصی یا اجتماعی معنا می شده است، حال آنکه در فرهنگ اسلامی با توجه به اهمیت و در نظر گرفتن نسبت فرد با خود و خدا، بزرگان آن، بویژه عرفا، ضمن تاکید این موضوع در خلوت گزینی به جستجوی نوعی رشد فردی برآمده اند. به طور مثال نجم الدین رازی از عرفای بزرگ قرون ششم و هفتم بحث مفصلی در این خصوص دارد و برای تحقق صحیح آن شرایطی شمرده است (مرصادالعباد، ۱۳۶۶، ۱۳۴). «بدانکه بنای سلوک راه دین و وصول به مقامات یقین بر خلوت و عزلت است و انقطاع از خلق. و جملگی انبیا و اولیا در بدایت حال داد خلوت داده اند تا به مقصود رسیده اند». وی با تاکید بر چهل روز خلوت نشینی اضافه می کند: «و نشستن اربعینات را شرایط و آداب بسی است، اما آنچه مهمتر است هشت شرط است که اگر یک شرط از این شرایط به خلل باشد مقصود کلی از خلوت به حصول دشوار پیوندد. و تعیین عدد هشت، به هشت بهشت است که بهشت دل را هشت در است، هر شرطی از شرایط خلوت کلید درگشای یک در است، اگر شرطی فروگذارند یک در بسته ماند». در توضیح شرایط مذکور و به عنوان شرط اول می نویسد: «اول شرط تنها در خانه ی خالی نشستن است، روی به قبله آورده، دستها بر ران نهاده، غسل کرده به نیت غسل مرده و خلوتخانه را لحد خویش شمرده و از آنجا جز به وضو و حاجت و نماز بیرون نیاید». چنان که مولوی می گوید: «من نخواهم شد از این خلوت برون / زانکه مشغولم به احوال درون».

این معنا از خلوت از سایر عرفا نیز فراوان نقل شده است. بنابراین عطف به این تعبیر از «خلوت»، دو نسبت دیگر نیز می توان به فهرست فوق اضافه کرد: «نسبت شخص با خود» و «نسبت شخص با خدا». از قضا این دو نسبت همواره در فرهنگ اسلامی مستحسن و لازم (مثلا در عبادات) شناخته شده است. با توجه به اینکه مفهوم خانه چیزی است که ما را از بیرون به درون خود دعوت می کند، آن ظرفی که امکان حرکت بیرون به حرکت درونی را فراهم کند، خانه نامیده می شود. اگر در شرایط کنونی به حس خودمان نسبت به خانه مراجعه کنیم، احساس می کنیم از آن شر و شور و آن همه حرکت که در بیرون اتفاق می افتد به خانه پناه می بریم و تجدید قوا می کنیم. انسان هنگامی که مستقر می شود امکان آن را پیدا می کند تا به سمت یافتن خویشتن خویش برود. چون هنگامی که انسان مستقر می شود از دیدن و توجه به عالم بیرون و عالم حرکت منصرف می شود. هنگامی که مستقر می شود فرصت این را پیدا می کند که متوجه خود شود. در واقع یافتن حقیقت، نیاز به یک سفر درونی دارد و خانه محل این سفر درونی است. خانه مکانی است که انسان خویشتن و حقیقت خویش را در آن می یابد و باید بیابد. هنگامی که انسان در خانه قرار می گیرد، باید بتواند همه ی آن نایافتنی های بیرون از خویش را درون خانه بیابد.

۵. خلوت در معماری

برای انسان - به ویژه انسان دین دار - چهار نوع رابطه وجود دارد: رابطه با خود، رابطه با دیگران، رابطه با طبیعت و رابطه با خدا. از سوی دیگر خانه نیز به عنوان ظرف زندگی انسان، می باید تامین کننده ی این چهار نوع رابطه باشد. خانه باید امکانی فراهم بیاورد که هر انسانی هنگامی که در آن حضور دارد، رابطه ی درستی با خود برقرار کند و متأسفانه این همان کیفیتی است که امروزه تقریباً تمام خانه ها فاقد آن هستند. در معماری تمدن اسلامی مشاهده می کنیم که به طور خاص در بعضی بناهای اجتماعی مثل مسجد، خانقاه یا مدرسه، مکان هایی به این امر اختصاص داده شده است. مکان هایی که به زاویه یا گوشه یا خلوتخانه نیز شهرت دارند که "ساکنان الی الله" در آنها جای گیر می شدند و برای انجام عبادات خویش مثل اعتکاف یا چله نشینی به سر می برده اند. علی رغم کامل نبودن مصادیق در دسترس و در غیبت مساکن دوره های قبل از قاجار، اگر چه چنین مکان هایی در بناهای مسکونی کاملاً در اختیارمان نیست، ولی می توان از بعضی گزارشهای تاریخی یا حتی مبتنی بر تحلیل این امور عبادی، فضای خاص - یا امکان ایجاد فضای خاص - در گستره ی خانه را حدس زد یا در نظر گرفت، چرا که وقتی در فضاهای پر جنب و جوش اجتماعی برای این امر فضایی در نظر گرفته می شد، به علت اولی وجود آن برای فضایی مسکونی شخصی نیز می تواند توجیهی بیابد، به ویژه این که از سایر منابع تاریخی مثل داستانها و روایات استنباط می شود که برای عبادت در خانه فضاهایی خاص این امر وجود داشته است. صندوق خانه ها، پستوخانه ها، زاویه ها، کنج ها و انواع فضاهایی که وجود داشته مصادیق آن فضاها هستند. خانه هایی با این کیفیت این امکان را در اختیار انسان قرار می دهد تا با خویش خلوت کند و به مراقبه و محاسبه پردازد، در خویش تأمل کند، خویشتن و حقیقت خویش را جستجو کند و بیابد و این ممکن نیست جز اینکه فضای مسکونی چه از لحاظ جزء فضا، زاویه یا گوشه، بخصوص در بالاخانه ها و اتاق گوشوار، که امروزه برای آن عملکرد مشخصی نمی شناسند و گاهی وجود آنها را فقط به ایجاد تناسب یا قرینه سازی معمار در بنا نسبت می دهند و چه از لحاظ امکان تحقق آن، اجازه چنین کاری را بدهد (ارژمند، خانی، ۱۳۹۱، ۳۵).

۶. خلوت در خانه های معاصر ایران

فن آوری جدید رابطه میان خیابان و خانه و فضای عمومی و خصوصی را در بسیاری از شهرهای امروزی تغییر داده است. اکنون سکونت یک فضای خصوصی نسبی را به وجود می آورد. در دنیای توسعه یافته دیوارها و درهای خانه های ما شاید رایج ترین مکانیزم هایی هستند که برای اداره حریم خصوصی و خلوت به کار می روند و در بیشتر موارد هیچ توجهی به این مسئله نشده و راه کار خاصی برای حفظ و تامین آن در نظر گرفته نشده است. امروزه در مجموعه های مسکونی نه خلوت دیداری قابل تامین است و نه خلوت شنیداری وضعیت مطلوبی دارد. پنجره هایی که کاملاً رو به روی هم قرار گرفته اند و دید مستقیم به دیگری دارند به طوری که ساکنین خانه ها برای حفظ خلوت و حریم خصوصی خود از دیدن ساختمان های بلند مجاور ناچار به استفاده دائمی از پرده و غیره می باشند، که نمونه هایی از تجاوز خواسته یا ناخواسته همسایه ها به حریم یکدیگر است.

محل قرارگیری درب های ورودی آپارتمان ها نیز معمولاً به گونه ای است که در صورت باز بودن درب خانه، هر رهگذری به راحتی می تواند به درون خانه دید



تصویر شماره ۶: معایب خانه های مدرن، منبع: معینی، زندی، ۱۳۹۴، ۸

۷. معماری ایرانی

معماری در ایران بیش از ۶۰۰ سال تاریخ پیوسته دارد. این معماری نه تنها فراتر از مرز جغرافیایی ایران امروزی نمودی بارز دارد بلکه از نظر تنوع، پهنه وسیعی را در بر می گیرد. عناصر طراحی نیز در معماری ایرانی از قدمتی ۳ هزار ساله برخوردار است. این عناصر از تالار گوردخمه ها گرفته تا سقف چهارطاقی ها و چهار ایوانی ها همواره در دوران های مختلف حضور داشته و تاثیرگذاری خود را در زندگی امروز نیز حفظ کرده اند. در واقع معماری ایرانی دارای استمراری بوده که هر چند بارها بر اثر کشمکش های داخلی و هجوم های خارجی دستخوش فطرت یا انحراف موقتی بوده، با این همه به سبکی دست یافت که با هیچ سبک دیگری اشتباه نمی شود. در ایران معماری آثار تاریخی در عین اینکه دارای مفهوم و هدف دینی و آئینی است، مانند سایر نقاط جهان وابسته به عواملی چون اقلیم، مصالح موجود، فرهنگ منطقه، فرهنگ همسایه، دین و آئین و باور و بانی بناست (نورآقایی، ۱۳۸۶).

در معماری ایرانی دالان، فضای ارتباطی بیرون و درون به شمار می رود. فضای دالان در معماری خانه های ایرانی چنان اهمیتی می یابد که به جرات می توان آن را جوهر اصلی فضاهای خانه ها دانست. در این فضا است که گسستن از بیرون و پیوستن به درون به تدریج حاصل می شود. زندگی جهان بیرون، صداها، رنگها و حرکت در فاصله زمانی که در این فضای میانجی طی می شود، کم کم محو می گردد. این فضایی است که واسطه میان بشریت (میدان برون) و روحانیت (شبستان درون)، عالمی است میان جسم و روح و سیری است برای رساندن انسان به نیستی و به هیچ، و جایی که از بند حواس رهایی یابد و ظواهر و زوائد را بشناسد و از خود دور کند، خود را درک کند و به دریای حقیقت بپیوندد و راه رسیدن به فطرت را طی کند (فیروز بهر، ۱۳۸۸).

در جامعه سنتی، آثار معماری، آثاری مصنوع و منفک از خلقت نبود، بلکه جزئی از آن شمرده می شد. از این رو معمار، نهایت هنر خود را این نمی دانست که اثری متباین با طبیعت بسازد، بلکه در این می دانست که اثر او، هم در عمل آسیمی به طبیعت نرساند و هم در سیمای خود با طبیعت متباین نباشد. در عالم پیش از مدرن، معمار خود را مستحیل در جامعه و معیارهای آن می دید و وظیفه ی خود را در نهایت، بهبود بخشیدن آن ضوابط می دانست. نوآوری در آن زمان نیز ممدوح بود، اما مفهومی دیگر داشت. نوآوری به معنای در انداختن طرح های تازه در چهارچوب زیباشناسی مقبول و با حفظ اصولی بود که سنت ایجاب می کرد. تجاوز از این حدود را نه نوآوری ممدوح، بلکه بدعت مذموم می شمردند و خود را موظف به بهره گیری از تجارب هزاران ساله معماران پیش از خود در فراهم آوردن سکونت گاه مطلوب انسان می دانستند (قیومی بیدهندی، ۷۵-۷۴).

۸. فضای ورودی بناهای درونگرا

« فضاهای ورودی بناهای درونگرا دارای دو نما هستند. نخست نمایی که از بیرون دیده می شود و دوم نمایی که از درون (درون فضای باز داخلی) مشاهده می گردد (سلطان زاده، ۱۳۷۲، ۱۶۶). »

فضای ورودی، یک فضای رابط و اتصال دهنده است، زیرا بسیاری از بناهای قدیمی درون گرای واقع در بافت های پیوسته از لحاظ کالبدی، کارکردی و بصری غالباً تنها از طریق فضای ورودی با معبر یا سایر فضاهای عمومی، پیوند و ترکیبی فعال می یافته اند، چون بیشتر این گونه بناها فاقد نماهای بیرونی طراحی شده ای بودند. به این سبب فضای ورودی یک فضای ارتباطی و اتصال دهنده یک بنا با محیط پیرامونش می باشد (سلطان زاده، ۱۳۷۲، ۱۷۲).

در ورودی هر بنا را می توان مهمترین عامل در نظارت بر ارتباط دانست. در عمومی ترین و ساده ترین شکل، با بسته شدن در ورودی، ارتباط قطع می شود و سپس در هر زمان که مالکان یا استفاده کنندگان از فضا اراده نمایند، این ارتباط را به صورت دلخواه (در زمان های مختلف و برای افراد گوناگون) می توانند ایجاد کنند. وجود دو نوع وسیله آگاه کننده: کوبه و حلقله، در روی درهای ورودی برای مردان و زنان، همچنین وجود ورودی های جداگانه برای زنان و مردان در بعضی مساجد، ورودی های جداگانه، برای بخش بیرونی و اندرونی در برخی از خانه ها، نمونه هایی از شیوه های مربوط به کنترل ارتباط است. نظارت بر ارتباط با روش های گوناگونی صورت می گرفته است. یکی دیگر از این روش ها، نحوه ی طراحی فضای ورودی به گونه ای است که هدف یا هدف های لازم را در چگونگی ایجاد ارتباط بین یک فضا با فضاهای پیرامون آن تامین نماید. در خانه ها که نمی خواستند یک شخص نامحرم از جلوی فضای ورودی به داخل خانه دید داشته باشد و نیز برای تامین حداکثر امنیت سعی می کردند مسیر حرکت در داخل فضای ورودی را تا حد امکان طولانی نمایند (سلطان زاده، ۱۳۷۲، ۱۷۳).

در بسیاری از تالارها یا اتاق ها به طور معمول در ورودی در دهانه میانی دیوارهای جانبی قرار داده می شد. به این ترتیب فضای داخلی اتاق به دو ناحیه که در مواردی به اصطلاح رایج بخشی از آن را بالای اتاق و بخش دیگر را پایین اتاق می نامیدند، تقسیم می شد. بالای اتاق محل استقرار بزرگترها بود. به این ترتیب محل ورود به اتاق در میان دو حوزه فوق که فضا را به دو بخش تقسیم می کرد، قرار داشت. در بعضی خانه ها به ویژه خانه های بزرگ طراحی شده، بین فضای تالار و دو اتاق گوشوار طبقه ی فوقانی واقع در دو سوی آن از طریق پنجره های ارسی یا سطوح مشبک ارتباط بصری پدید می آمد تا در برخی از مجالس و مهمانی ها، زنان واقع در اتاق های گوشوار طبقه ی فوقانی بتوانند مجلس واقع در تالار را تماشا کنند، بدون آنکه به صورتی روشن دیده شوند. این نوع طراحی برای رعایت موضوع

محرمیت و متمایز شدن مجالس بزرگ مردانه از مجالس زنانه صورت می گرفت. در مهمانی های کوچک خویشاوندان نزدیک، همه در یک فضا مستقر می شدند (سلطان زاده، ۱۳۷۴، ۱۸۷).

۹. محرمیت و امنیت

برای حفظ محرمیت ساکنان یک فضا، مسیر فضای ورودی را به صورت پیچ در پیچ و غیر مستقیم طراحی می کردند، به نحوی که از جلوی درگاه یا هشتی نتوان فضاهای داخلی را مشاهده کرد. این هدف بیشتر در طراحی فضای ورودی خانه های درونگرا در نظر گرفته می شد. البته در برخی موارد برای تامین امنیت بیشتر برای ساکنان یک فضا نیز مسیر دسترسی را پیچ در پیچ می ساختند (سلطان زاده، ۱۳۷۲، ۱۸۴).

معمار به صورت عمدی فضا را به گونه ای طراحی می کرد تا مسیر رسیدن به درون خانه، طولانی و پیچ در پیچ باشد، تا ساکنین از دید دیگران در امان باشند و امنیت و آرامش برای ایشان فراهم شود. از یک جهت فضای پیچ در پیچ امکان رویت شدن فضای درونی را نمی دهد و از طرف دیگر زمان بیشتری صرف می شود تا افراد به درون خانه وارد شوند و امکان آمادگی بیشتری برای میزبان فراهم می آورد. یکی از باورهای مردم ایران زندگی شخصی و حرمت آن بوده که این امر به گونه ای معماری ایران را درون گرا ساخته است. معماران ایرانی با ساماندهی اندام های ساختمان در گرداگرد یک یا چند میانسرا، ساختمان را از جهان بیرون جدا می کردند و تنها یک هشتی این دو را به هم پیوند می داد (نورآقایی، ۱۳۸۶).

جدول شماره ۶: خانه های تاریخی شهر زنجان و محل اتاق های خلوت، کنج، پستو در آنها منبع: نگارندگان

خانه مورد بررسی	مکان ایجاد شده	پلان یا عکس مکان خلوت
ذوالفقاری	اتاق شخصی - وجود کنج	
داوودی	اتاق شخصی - وجود پستو	
جمالی	اتاق شخصی - اتاق خلوت	
خدیبوی	اتاق شخصی - اتاق خلوت	

نتیجه گیری

روابط متقابل ما با دیگران نقش مهمی در اولویت هایمان در سکونتگاه دارد و محیط ساخته شده باید بتواند نیازهای مربوط به این روابط را پاسخ گوید. از سوی دیگر، می دانیم که فضاها، نقش های اجتماعی خاصی را بر ساکنان خود تحمیل می کنند و برخی الگوها و معیارهای رفتاری را تقویت و برخی دیگر را تضعیف می کنند و در نهایت جهت و ابعاد جدیدی به رفتارهای ساکنان خود می بخشد. با نگاهی به گذشته در می یابیم که در معماری گذشته نیاز به تعاملات اجتماعی و ارتباط با هم نوعان، حفظ حریم و نیاز به خلوت در جای خود به خوبی پاسخ می گرفتند. بر خلاف انتظار تحقیقات نشان می دهد که در افراد برون گرا نسبت به افراد درون گرا نیاز به خلوت بیشتر است. علاوه بر ویژگی های شخصیتی، تفاوت در نیاز به خلوت تا حدودی به نگرش گروه های اجتماعی و نقشی که مردم در جامعه و پایگاه اجتماعی- اقتصادی خود ایفا می کنند باز می گردد. در معماری خانه های سنتی، معمار به صورت تعمدی فضا را به گونه ای طراحی می کرد تا مسیر رسیدن به درون خانه، طولانی و پیچ در پیچ باشد، تا ساکنین از دید دیگران در امان باشند و امنیت و آرامش برای ایشان فراهم شود. از یک جهت فضای پیچ در پیچ امکان رویت شدن فضای درونی را نمی دهد و از طرف دیگر زمان بیشتری صرف می شود تا افراد به درون خانه وارد شوند و امکان آمادگی بیشتری برای میزبان فراهم می آورد. در نهایت این نتیجه به دست می آید که طراحان باید با استفاده از تکنیک و معماری پلان های قدیمی، و بهره گیری از آنها در خانه های عصر حاضر جهت بهبود کیفیت زندگی و رسیدن به آرامش نسبی استفاده کنندگان تلاش کنند، چرا که خانه محلی برای رسیدن به آرامش و گرفتن انرژی دوباره می باشد، و این آرامش می تواند در زندگی اجتماعی و روابط ما با دیگران تاثیر بسزایی داشته باشد.

منابع و مآخذ

- . مک اندرو، فرانسیس تی (۱۳۸۷)، روان شناسی محیطی، ترجمه دکتر غلامرضا محمودی، چاپ چهارم (۱۳۹۵)، نشر وانیان، تهران.
- . آلتمن، ایروین (۱۳۸۲)، محیط و رفتار اجتماعی: خلوت، فضای شخصی، قلمرو، ازدحام، ترجمه: علی نمازبان، ویراستار جواهر افسر، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- . راپاپورت، آموس (۱۳۸۸)، انسان شناسی مسکن، ترجمه خسرو افضلیان، ویراستار مهدی آتشی، انتشارات حرفه هنرمند، تهران.
- . فرگاس، جوزف (۱۹۴۷)، روانشناسی تعامل اجتماعی: رفتار میان فردی، ترجمه خشایار بیگی و مهرداد فیروز بخت، ۱۳۷۳، ابجد، تهران.
- . گیفورد، رابرت (۱۳۷۸)، حریم خصوصی، ترجمه اکبر سرداری زوز، معماری و فرهنگ، ش ۳ و ۲.
- . لنگ، جان (۱۳۸۱)، آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، ترجمه علیرضا عینی فر، موسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- . هال، ادوارد توییچل (۱۳۷۶)، بعد پنهان، ترجمه منوچهر طبیبیان، انتشارات دانشگاه تهران.
- . راپاپورت، آموس (۱۹۲۹)، انسان شناسی مسکن، ترجمه افضلیان، ۱۳۸۸، حرفه هنرمند، تهران.
- . سلطان زاده، حسین (۱۳۷۲)، فضاها و ورودی در معماری سنتی، معاونت امور اجتماعی و فرهنگی، تهران.
- . سلطان زاده، حسین (۱۳۷۴)، نائین، شهر هزاره های تاریخی، دفتر پژوهش های فرهنگی، تهران.
- . سلطان زاده، حسین، معماری داخلی خانه های درونگرا در اقلیم گرم و خشک ایران، نشریه معماری و فرهنگ، شماره ۲۸.
- . فیروزبهر، سامان (۱۳۸۸)، ۱۴۰۴۷۷۹ - ۱۱۵۰۳۰۴۰ - <http://www.cloob.com/timeline/post>
- . قیومی بیدهندی، مهرداد، آموزش معماری در دوران پیش از مدرن بر مبنای رساله معماریه، صفه، شماره ۴۲.
- . نجم الدین رازی (۱۳۶۶)، برگزیده مرصاد العباد، انتشارات توس، چاپ دوم.
- . نورآقایی، آرش (۱۳۸۶)، معماری ایرانی؛ معماری درون گرا، نشریه تهران امروز.
- . ارژمند، محمود، خانی، سمیه (۱۳۹۱)، نقش خلوت در معماری خانه ایرانی، فصل نامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی.
- . معینی، سید محمود، زندی، مهرنوش (۱۳۹۴)، بررسی خلوت در معماری ایرانی و تاثیر نادیده گرفتن آن در معماری معاصر، همایش ملی فرهنگ، گردشگری و هویت شهری، موسسه مهر اندیشان ارفع.
- . مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان زنجان.